



جستاری در اختیار معرفة الرجال

پدیدآورده (ها) : بهارزاده، پروین
علوم قرآن و حدیث :: تحقیقات علوم قرآن و حدیث :: پاییز و زمستان 1383 -
شماره 2 (ISC)
از 79 تا 96
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/21089>

دانلود شده توسط : zahra mardani
تاریخ دانلود : 02/04/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

جستاری در اختیار معرفة الرجال

دکتر پروین بهارزاده

(عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء)

bahar-p@Alzahra.ac.ir

pbaharzadeh@yahoo.co.uk



چکیده: ابو عمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز کثی از علمای نیمه نخست سده چهارم هجری است که در رشته حدیث و رجال صاحب مهارت بود. سال دقیق ولادت و وفای وی روشن نیست. شواهد حاکی از آن است که وی در نیمه نخست قرن چهارم می‌زیسته و رشد و نمو علمی وی در دیار سمرقند و ماوراءالنهر بوده است. شیخ طوسی و نجاشی که نزدیک‌ترین افراد به عصر اویند، نگارش کتابی در رجال را به وی نسبت داده‌اند. ابن شهر آشوب، که یک قرن پس از شیخ طوسی می‌زیسته، کتاب کثی را معرفة الناقلین عن الأئمة الصادقین می‌خواند و دیگران آن را معرفة أخبار الرجال یا معرفة الرجال نام نهاده‌اند.

اصل کتاب کثی از دستبرد حوادث ایام مصون نماند و آنچه امروزه در دست است و با عنوان رجال کثی شهرت یافته، در واقع اختیارات و انتخابات شیخ طوسی است که به تصریح سید بن طاووس در سال ۴۵۶ به شاگردان خود املاء کرده است. به دلایلی کتاب اختیار با کتاب رجال کثی تفاوت‌هایی محتوایی متعددی دارد.

در این مقاله به بررسی کتاب اختیار معرفة الرجال طوسی می‌پردازیم و برخی از وجوه تفاوت آن با اصل کتاب رجال کثی را مطرح می‌کنیم.

کلید واژه‌ها: کثی، طوسی، رجال، اختیار معرفة الرجال.

اجمالی از تاریخچه علم الرجال

حدیث دومین منبع و سند دین و میراث ماندگار معصومین (ع) است که در کنار قرآن در شناختن و شناساندن و بالندگی اسلام نقشی انکارناپذیر دارد.

تاریخ حدیث، گذشته دردآور آن و پیشینه غم‌آلود جدایی قرآن و حدیث هر محقق را به تأمل وامی‌دارد. در برهه‌ای از زمان با غلبه نظریه حسبن کتاب الله، سنت از میان مردم کناره گرفت و به امر حاکمان وقت نگارش و کتابت حدیث ممنوع شد (ابوریه [بی تا]: ۴۶-۵۳)، و نگاهشده‌های حدیثی در آتش جهل و جمود و خشونت گذاخت. پس از آن با تغییر شرایط اجتماعی و فرهنگی و ظهور نخله‌های اخباریگری، بازار حدیث رواج یافت تا آن‌جا که قدر هر کس به میزان روایاتی که به زبان داشت سنجیده می‌شد. ارزش و جایگاهی که محدثان و حاملان حدیث یافته بودند عده‌ای بی‌مایه و شهرت‌طلب را نیز برای ورود به جرگه محدثان به جعل حدیث واداشت. و بدین‌سان مجال فراهم شد تا هر کس اندیشه و رأی خود را بر سفره حدیث بچیند و اندیشه‌های ناصواب و آرای تاریک خویش را در پس نقاب حدیث و کلام معصوم (ع) عرضه کند. غرض ورزیها، کینه‌ها و فتنه‌ها در لباس حدیث و روایت رخ نمود. احبار و رهبانان مجال یافتند تا از قصه‌ها و افسانه‌های مجوسی، یهودی و مسیحی سخن گویند و آن‌ها را در قالب حدیث جاسازی کنند (همان: ۱۴۰-۱۱۸؛ حائری ۱۳۰۲: ج ۶، ۲۰۶ و ۳۰۷).

در این عرصه آنان که درد دین داشتند و دروغ و دروغ‌پردازی به نام دین را بر نمی‌تافتند، بر آن شدند تا برای تشخیص حدیث صحیح از سقیم و ناقل کذاب از راوی ثقه و ممدوح از مذموم اصول و قواعدی پایه ریزی کنند و دانش رجال‌شناسی (علم الرجال) - دانشی که متکفل بررسی جنبه‌هایی از شخصیت راوی است که در پذیرش یا عدم پذیرش خبر او تأثیر دارد - تکون یافت.

علم رجال حدیث از نخستین قرن‌های طلوع اسلام، مورد توجه مسلمین بود و به تدریج، از اواخر دوره تابعین با افزایش نیازی که بدان احساس می‌شد، دامنه آن گسترش یافته است. ولی کار تدوین این علم به صورت گسترده و فنی در روزگار رواج حدیث آغاز شده است.

علامه حلی در مقدمه خلاصه الاقوال فی علم الرجال در بیان اهمیت این دانش می‌نویسد: «بی تردید علم به احوال راویان از اساس احکام شرع است که قواعد و اصول روایی و نقلی بر پایه آن بنا می‌گردد. لذا بر هر مجتهدی شناخت این علم واجب و ترک آن مجاز نمی‌باشد.»

اگر فن رجال را به معنای عام آن در نظر گیریم و دامنه آن را تا شرح حال نویسی (تراجم)، بسط دهیم سابقه آن به نیمه قرن نخست می‌رسد. در حدود سال ۴۰ هجری عیبدالله بن ابی رافع، کاتب امیرالمؤمنین علی (ع)، اسامی آن عده از مهاجرین و انصار را که در جنگ‌ها همراه وی بودند و در جمل، صفین و نهروان در کنار وی جنگیدند، در کتابی ثبت کرد (آقا بزرگ طهرانی ۱۴۰۳: ج ۱۰، ۸۰). شیخ طوسی از این کتاب با عنوان تسمیة من شهد مع امیرالمؤمنین الجمل و صفین و النهروان من الصحابة یاد کرده است (طوسی ۱۳۸۱: ۱۰۷).

از قرن دوم می‌توان به کتاب الرجال فی ذکر من روی عن امیرالمؤمنین اثر محمد بن خالد برقی که در سال ۱۸۳ در قید حیات بود اشاره کرد (آقا بزرگ طهرانی ۱۴۰۳: ج ۱۰، ۱۰۰؛ ج ۲۲، ۲۲۷). در قرن سوم هجری بر اثر شیوخ کتب حدیث و رواج اصول و مصنفات این علم، فن رجال نیز رونق گرفت و کتب نسبتاً زیادی تألیف شد که برخی از آن‌ها تا کنون موجود مانده از آثار گرانبهای شیعه محسوب می‌شود، از آن جمله:

- طبقات الرجال، تألیف احمد بن ابی عبدالله برقی (م. ۲۷۴) (همان: ج ۱۰، ۹۹)؛
- رجال ابن جبلة، ابو محمد عبدالله بن جبلة بن حنان بن الحر الکنانی (د. ۲۱۹). شیخ طوسی در کتاب رجال خود او را از یاران امام کاظم (ع) می‌شمارد و نجاشی کتب متعددی را از جمله کتابی در رجال به او نسبت داده است (نجاشی ۱۴۰۸: ج ۲، ۱۳)؛
- رجال حسن بن علی بن فضال (د. ۲۲۴۰) که گویا در عصر نجاشی، معروف و شاید در اختیار او بوده است (غفاری ۱۳۶۹: ۲۱۰)؛
- رجال حسن بن محبوب با عنوان معرفة رواة الأخبار (آقا بزرگ طهرانی ۱۴۰۳: ج ۱۰، ۹۸)؛

تدوین کتب رجالی تا اواخر قرن چهارم به صورت گسترده ادامه یافت. لیکن در این

قرن کتاب‌ها در موضوعات محدودتر و محصورتری نگاشته شد و شیوه تخصص‌گرایی رواج یافت. ابن عقده کتابی مشتمل بر رجال امام صادق (علیه‌السلام) فراهم آورد. (همان: ج ۱۰، ۸۶) و ابو عمرو محمد بن عمر بن عبد العزیز کشتی کتاب معرفة الناقلین عن الأئمة الصادقین را نگاشت.

در قرن پنجم، ابن الغضائری احمد بن حسین بن عبیدالله (د. ۴۱۱) پنج اثر در حوزه مباحث رجال و فهرس تحریر نمود. از این میان کتاب الضعفاء و تکملة رسالة ابی غالب الزراری موجود و به طبع رسیده است. لیکن سه کتاب دیگر وی یعنی: فهرس الاصول، فهرس المصنفات و کتاب الممدوحین در دسترس نیست (تستری: ۱۳۹۷: ج ۱۰، ۴۴۲-۴۴۱).

در همین قرن، اصول چهارگانه رجالی تألیف یافت که متشکل از تصحیح، ترکیب و امتزاج کتب و مصنفات قبلی بود. این اصول عبارت‌اند از:

۱. اختیار معرفة الرجال، تألیف محمد بن حسن طوسی، معروف به رجال کشتی؛

۲. الابواب، معروف به فهرست طوسی؛

۳. الرجال، معروف به رجال طوسی؛

۴. الفهرس، تألیف احمد بن علی نجاشی که به دلیل داشتن جنبه‌های فراوان رجالی به

رجال نجاشی شهرت یافته است (آقا بزرگ طهرانی ۱۴۰۳: ج ۱۰، ۸۳-۸۲).

این چهار کتاب با عنوان کتب اربعه رجالیه یا اصول رجالی، مدار تألیف و تدوین کتب رجالی بعدی قرار گرفت، لذا قرن پنجم را به دلیل تألیف این چهار کتاب، باید سرآمد قرن‌های پیشین و نقطه اوج فعالیت‌های رجالی تا آن روز دانست. برخی تألیفات رجالی شیعه را در فاصله قرن اول تا پنجم بیش از یکصد عنوان دانسته‌اند.

در قرن هفتم سید احمد بن موسی بن طاووس (د. ۶۷۳) با نگرش کتاب حل الاشکال فی معرفة الرجال آمیزه‌ای از چهار کتاب اصلی رجالی و کتاب الضعفاء ابن الغضائری را فراهم ساخت و آن را به ترتیب اسامی راویان براساس حروف الفبا سامان بخشید (آقابزرگ طهرانی ۱۴۰۳: ج ۳، ۳۸۶-۳۸۵). در پی او شیخ حسن زین الدین (فرزند

شهمید ثانی) کتاب فوق را دستایه تدوین کتاب خویش ساخت و کتاب اختیار معرفة الرجال را از آن استخراج نمود و آن را التحریر الطاووسی نامید و خود در مقدمه می نویسد: «هذا تحریر کتاب الاختیار من کتاب ابی عمرو و الکشی فی الرجال انترعته من کتاب السید الجلیل... ابوالفضائل احمد بن طاووس الحسینی» (زین الدین ۱۴۱۱: ج ۳).

رجال کشی

همان طور که از عبارات نجاشی و طوسی در شرح حال ابو عمرو، محمد بن عمر بن عبدالعزیز الکشی معلوم است، وی کتابی با عنوان کتاب رجال تألیف کرده است. نام این کتاب چنان که ابن شهر آشوب مازندرانی ذکر کرده است، معرفة الناقلین عن الائمة الصادقین است (۱۳۸۰: ۱۰۲).

ولی به تصریح شیخ طوسی (ابی تا: ۲۳) نام این کتاب معرفة الرجال بوده است. شیخ آقا بزرگ طهرانی نام کتاب را فقط معرفة الناقلین ذکر کرده است (۱۳۳۷: ۳۷۵).

به دلیل نزدیکی زمان ابن شهر آشوب (د. ۵۸۸) با کشی و شیخ طوسی می توان گفت بیان وی متکی بر قرائن قطعی بوده و نام کتاب همان است که او ذکر کرده است. کتاب رجال کشی به هر نام که خوانده شود، یکی از چهار کتاب اصلی علم رجال شیعه محسوب شده است. ولی متأسفانه اصل کتاب از میان رفته و آنچه فعلاً در دست ماست، انتخاب و اختیار آن، اثر شیخ طوسی است.

از رجال کشی تا اختیار کنونی

شواهد و دلائل حاکی از آن است که اصل کتاب کشی از میان رفته و آنچه فعلاً در دسترس قرار دارد، اختیار و انتخاب شیخ طوسی است. در نسخه موجود ۱۱۵۱ حدیث رجالی وجود دارد و با ملاحظه شرح حال راویان روشن می شود که کشی در ذکر آنان ملزم به رعایت ترتیب برحسب عصر ائمه بوده است. از آن جا که زندگی و اقامت کشی در ماوراءالنهر و دور از حوزه های اصلی شیعه، یعنی بغداد، کوفه و قم بوده است، طبیعی است که کتاب او پس از نگارش به طور وسیع مورد استنساخ قرار نگرفته باشد.

اینک به برخی از شواهد و دلایلی اشاره می‌کنیم که حاکی از وجود تفاوت میان رجال کثی و اختیار کنونی است:

۱. نوری به نقل از علی بن طاووس بیان داشته که شیخ طوسی در سال ۴۵۶ کتاب رجال کثی را بر شاگردان خود املاء کرده است. همچنین از نسخه‌ای از این کتاب یاد کرده است که در مقدمه آن به خط شیخ طوسی نوشته شده است: هذه الأخبار اختصرتها من كتاب الرجال لأبي عمرو محمد بن عمر بن عبدالعزيز الكشي و اخترت ما فيها... (۱۳۴۸: ج ۳، ۷۵۷).

۲. شیخ طوسی در الفهرست خود، کتاب اختیار معرفة الرجال را به خود نسبت داده و آن را در شمار آثار علمی خود برشمرده است. (بی تا: ۱۶۱).

۳. در جای جای کتاب عبارات نشان‌دهنده آن است که نویسنده آن‌ها باید خود شیخ طوسی باشد نه کثی. برای نمونه:
- در شرح حال ابویحیی جرجانی این عبارت آمده است: سنذكر بعض مصنفاة فانها ملاح ذكرنا نحن في كتاب الفهرست و نقلناها من كتابه (طوسی ۱۴۰۴: ج ۲، ۸۱۴).
- در شرح حال فضل بن شاذن آمده است: «وقيل ان للفضل مئة وستين مصنفا ذكرنا بعضها في الفهرست» (همان: ج ۲، ۸۲۲).

کثی کتابی با عنوان الفهرست نگاشته است. لذا عباراتی همچون جملات فوق بدون تردید، عبارات شیخ طوسی است.

۴. موارد متعددی دیده می‌شود که در ابتدای سند روایت، تعابیری همچون: قال ابو عمرو، قال ابو عمرو محمد بن عمر بن عبدالعزيز الكشي، ابو عمرو الكشي قال آمده است. برای مثال ذیل ترجمه ابو محمد هشام بن حکم آورده است:
ابو عمرو الكشي قال: «اخبرني ابو الحسن احمد بن محمد الخالدي...» (همان: ج ۲، ۵۳۰).

و یا در شرح حال عیسی بن ابو منصور شلقان می‌نویسد: «قال ابو عمرو الكشي: سألت حمدويه بن نصير عن عيسى؟ فقال خير فاضل...» (همان: ج ۲، ۶۲۲).
همچنان‌که در ضمن معرفی اولین طبقه اصحاب اجماع آورده است:

«قال الكشي اجتمعت العصابة على تصديق هؤلاء الاولين...» (همان: ج ۲، ۵۰۷).

تعبیر فوق قریب ۴۱ مورد در اختیار کنونی قابل مشاهده است.

۵. نجاشی در کتاب الرجال خود مواردی را به نقل از کتاب رجال کشی آورده است، در حالی که در کتاب اختیار کنونی چنین موضوعات و مضامینی ذکر نشده است. به مواردی چند از این نمونه توجه کنید:

- در ذیل نام حسین بن اشکیب می‌گوید: «شیخ لنا خراسانی ثقة... ذکره ابو عمرو فی کتابه الرجال فی اصحاب ابی الحسن صاحب العسکر (علیه السلام)... قال الکشی: هو القمی خادم القبر» (نجاشی ۱۴۰۸: ج ۱، ۱۴۷).

- در شرح حال ابان بن تغلب می‌نویسد: «قال ابو عمرو الکشی فی کتاب الرجال روی ابان عن علی بن الحسین (ع)» (همان: ج ۱، ۷۴).

- در ترجمه اسماعیل بن مهران آورده است: «اسماعیل بن مهران بن ابی نصر السکونی و اسم ابی نصر زید مولی کوفی یکنی ابایعقوب... ذکره ابو عمرو فی اصحاب الرضا (ع)» (همان: ج ۱، ۱۱۱).

- در ضمن معرفی حسن بن علی بن فضال می‌نویسد: ذکره ابو عمرو فی اصحاب الرضا (ع) خاصة قال: الحسن بن علی بن فضال مولی بنی تمیم الله بن ثعلبه کوفی (همان: ج ۱، ۱۳۱).

اینکه شیخ طوسی دست به پیرایش کتاب رجال کشی زده است و نیز با توجه به عبارت نجاشی در توصیف او «له کتاب الرجال، کثیر العلم، فیه اغلاط کثیرة» (همان: ج ۲، ۲۸۲). نشان می‌دهد که نسخه اصلی کتاب مزبور حاوی خطاهای متعدد بوده و چه بسا همین ویژگی سبب متروک ماندن اصل کتاب شده است. قمی نیز می‌نویسد: «کتاب کشی در اصل مشتمل بر رجال عامه و خاصه بوده و شیخ، عامه را از آن ساقط کرده است» (قمی ۱۴۰۹: ۳، ۱۱۶).

شیخ آقا بزرگ طهرانی نیز همین مضمون را با این بیان مطرح ساخته است: «... و له الرجال الموسوم بمعرفة الناقلين، كان فيه العامة و الخاصة و كان فيه اغلاط، فعمد اليه الشيخ الطائفة و جرد منه الخاصة و هذبه و ساه اختيار الرجال. و هو الموجود المطبوع

الیوم.» (۱۳۳۷: ۳۷۵). البته صحت چنین تجربیدی قابل اثبات نیست. از آن رو که در نسخه کنونی اختیار، همچنان نام کسانی به چشم می خورد که از رجال عامه محسوب شده اند (امین ۱۴۰۸: ج ۱، ۱۶۴). از جمله محمد بن اسحق (طوسی ۱۳۸۱: ج ۲، ۶۷۸)، عمرو بن خالد و دیگران (امین ۱۴۰۸: ج ۱، ۱۶۴).

بعضی نیز معتقدند که تلخیص و تصحیح طوسی بیش از آن که متوجه رجال مذکور در کتاب باشد، متوجه روایاتی است که در ذیل نام هر یک از رجال ذکر شده است. شیخ طوسی از میان احادیثی که کثی به مناسبت نام مترجمان آورده، بعضی را که از حیث سند یا از لحاظ ارتباط با شخص مورد نظر، به نظر او مخدوش رسیده، تصحیح یا حذف نموده است. لیکن بنابه اظهارات اهل فن، کتاب رجال کثی غلط‌های بسیار دارد. و در بیان علت این امر گفته اند شیخ طوسی، کتاب کثی را به شاگردان خود املاء می کرده و در حین املاء، تغییراتی در آن می داده است. اما بعداً فرصت تجدید نظر در آن نسخه‌ها را نیافته است، به همین سبب نسخه‌های اختیارالرجال همه نامنظم و حاوی غلط‌هایی است.

کلباسی در این باره می نویسد: «قرآنی وجود دارد که این کتاب به مرور زمان مورد دستبرد حوادث قرار گرفته و به تدریج مطالبی از آن حذف شده است. (کلباسی اصفهانی ۱۳۷۲: ۳۲)

محدث نوری نیز معتقد است: «به دلایل مختلف بعضی علماء در کتاب اختیارالرجال طوسی دست برده و برخی مطالب را از آن حذف نموده اند.» آن گاه به این دلایل اشاره می کند:

۱. ابن طاووس جملات و عباراتی دارد که آن‌ها را از کتاب اختیار شیخ نقل می کند در حالی که در کتاب اختیار کنونی این مطالب و عبارات دیده نمی شود.
۲. ابن شهر آشوب در مناقب، روایتی را به نقل از اختیار شیخ نقل می کند. همچنین میرزا محمد در حاشیه تلخیص المتال روایتی را از اختیار شیخ آورده است که هیچ یک در کتاب کنونی وجود ندارد.

۳. ابن داود در رجال خود از کثی چنین نقل کرده است: «حمدان بن احمد از جمله

کسانی است که عصابه شیعه بر تصحیح روایات او اجماع دارند. و او را در شمار اصحاب اجماع شمرده است.^۱ این مطلب نیز در کتاب اختیار کنونی مذکور نیست.

اوصاف، ویژگی‌ها و امتیازات کتاب رجال کشی

به رغم همه مطالب فوق کتاب رجال کشی اوصاف و امتیازات فراوانی نیز داراست. از جمله اینکه:

۱. بدون تردید کتاب رجال کشی به منظور بحث از احوال رجال، از نظر صداقت، کذب و نظائر آن تألیف شده است. و اسم کتاب شاهد خوبی بر این ادعا بوده و روشن است که بنای مؤلف بر نقل روایات از جهت وثاقت یا ضعف راویان می‌باشد. بنابراین، قدح و مدح از موضوعات اصلی این کتاب است. کلیاسی اصفهانی در این باره می‌نویسد: «وضع هذا الكتاب علی ذکر الاخبار الواردة فی احوال الرجال مدحا او قدحا...» (۱۳۷۲: ۲۷).

۲. این کتاب از نظر طرح مستند جرح و تعدیل اشخاص بیشتر بر روایات و نصوص وارده از ائمه معصومین (ع) اتکاء نموده و این از مهم‌ترین ویژگی آن است. همین ویژگی

۱. اصحاب اجماع تعبیری است که متأخرین آن را وضع کرده‌اند. وضع این اصطلاح از آنجا نشئت می‌گیرد که کشی در کتاب رجال خود ۱۸ نفر، و با احتساب وجوه اختلاف، ۲۲ نفر را در سه طبقه با ذکر اوصافی همانند و با عنوان تسمیه الفقهاء نام برده است (طوسی ۱۳۴۸: ۲۳۸، ۳۷۵، ۵۵۶). نزدیکی مضمون عبارات در این سه دسته، سبب شد تا علمای متأخر هر سه دسته را تحت یک عنوان ذکر کنند. به دلیل اینکه در عبارات کشی سخن از اجماع یا اجتماع علمای شیعه بر وثاقت و صداقت این افراد یا صحت روایات ایشان به میان آمده است، از این افراد با عنوان «اصحاب اجماع» یاد کرده‌اند. و لذا گفته‌اند «اصحاب اجماع» جماعتی هستند که علمای شیعه بر صداقت گفتار آنان اطمینان و اتفاق نظر دارند. برخی از این مرحله نیز فراتر رفته و به صحت همه احادیث این جماعت حکم کرده‌اند. و تا آنجا پیش رفته‌اند که معتقداند حتی اگر در سند حدیث، افرادی دروغگو، مجهول یا حتی متهم به فسق نیز وجود داشته باشد ولی نام یکی از این جماعت (اصحاب اجماع) در سند آن ذکر شده باشد، حدیث از حیز صحت خارج نشده و لذا می‌توان بر اساس آن فتوا صادر نمود و بدان عمل کرد و در این مورد بررسی متن و سند حدیث ضروری نیست. در مقابل، برخی از علماء و فقهاء با استناد به دلالتی نسبتاً قوی، صحت برخی از این احادیث را مورد تردید قرار داده و بعضی را به صراحت، غیرصحیح. غیرمعتبر و غیرقابل عمل خوانده‌اند (بهارزاده ۱۳۷۱).

در کتب تاریخ اصفهان، تاریخ جرجان، تاریخ قم، طبقات ابن سعد و حلیه الاولیاء ابونعیم اصفهانی نیز دیده می‌شود (معارف ۱۳۷۴: ص ۴۲۸).

۳. مطالعه این کتاب خواننده را با دیدگاه‌های رجالی مشایخ کثی و برخی از دانشمندان دو قرن سوم و چهارم، آشنا می‌سازد.

۴. این کتاب در مطالعه تاریخ حدیث و معرفی و مذاهب شیعی از جمله: غلات، واقفه، فطحیه، زیدیه و... یکی از مآخذ اصلی محسوب می‌شود.

۵. مطالعه این کتاب از نظر معارف اسلامی و دیدگاه علمی و عملی اصحاب و یاران ائمه و فقها و علمای معاصر و قریب العصر ائمه (ع) بسیار سودمند و از اصول اولیه در این زمینه است. چرا که مؤلف در اکثر موارد سند توثیقات یا تضعیفات خود را ذکر کرده است.

برای مثال در ترجمه و شرح حال یونس بن عبدالرحمن آورده است: «وجدت بخط محمد بن شاذان بن نعیم فی کتابه، سمعت ابا محمد القصاص الحسن بن علویة الثقة یقول: سمعت الفضل بن شاذان یقول: حج یونس بن عبدالرحمن اربعا و خمسین حجة و اعتمر اربعا و خمسین عمرة و...» (طوسی ۱۴۰۴: ج ۲، ۷۸۰).

و نیز در حین سخن از غلات امام عسکری (ع) می‌نویسد: وجدت بخط جبرئیل بن احمد الفاریابی، حدیثی موسی بن جعفر بن وهب (همان: ج ۲، ۸۰۳) یا در ضمن سخن از فارس بن حاتم قزوینی می‌گوید: ذکر ابو محمد الفضل بن شاذان فی بعض کتبه... (همان: ج ۲، ۸۰۵)

لذا می‌توان از طریق این کتاب از آرای دانشمندی همچون: فضل بن شاذان، یونس بن عبدالرحمن، محمد بن قولویه، احمد بن محمد بن عیسی و دیگران نیز آگاه شد.

۶. حدود یک سوم روایات کثی به نقل از عیاشی است و عیاشی نیز غالباً از علی بن حسن بن فضال نقل کرده است. وی یکی از محدثان، فقها و رجالیون بزرگ شیعه در قرن سوم بوده است. و لذا برای آشنایی با دیدگاه‌های ابن فضال نیز منبع معتبری خواهد بود (معارف ۱۳۷۴: ص ۴۲۹).

۷. یکی از مشخصه‌های این کتاب که تقریباً دیگر کتب رجالی فاقد آن هستند، ذکر

عناوین دسته جمعی است. مثل: «تسمية الفقهاء من اصحاب ابی عبدالله»، «الواقفة»، «الغلاة» و... مجموع عناوین و اسامی کسانی که به این گونه ذکر شده‌اند ۵۱۵ نفر هستند. با مروری اجمالی بر کتاب در می‌یابیم که روایات کتاب در شش بخش بر حسب تقدم و تأخر زمانی مندرج شده است. ولی نام رجال بر هیچ اساسی مرتب نیست. به همین دلیل دستیابی به شرح حال یک فرد مشخص در این کتاب مشکل می‌نماید.

شخصیت کثی

ابو عمرو، محمد بن عمر بن عبدالعزیز الکثی، از دانشمندان بنام قرن چهارم و منسوب به کث است. کث یکی از مناطق سمرقند (میرداماد [بی تا]: ۷۶) یا یکی از روستاهای گرگان است و در سه فرسخی آن بر دامنه یک کوه (حموی ۱۳۹۹: ج ۴، ۴۶۲).

شیخ الطائفة درباره شخصیت وی می‌نویسد: «ثقة، بصیر بالآخبار و الرجال، حسن الاعتقاد.» (طوسی ۱۴۰۴: ۱۴۱) و نیز متذکر شده است که «ابو عمرو محمد بن عبدالعزیز کثی، صاحب کتاب رجال و از شاگردان خاص عیاشی است. دانشمندی است مورد اعتماد و در رجال و اخبار استاد. از نظر مذهب روشی مستقیم داشت.» (طوسی ۱۳۸۱: ۴۹۷).

نجاشی نیز تأکید دارد بر اینکه: «ابو عمرو کثی، مردی مورد اعتماد و صاحب وجهه بوده، در عین حال از افراد ضعیف بسیار روایت می‌کند. با عیاشی همنشین و مصاحبت داشته و در خانه او که محل تغذیه فکری شیعه و اهل علم بود، به دریافت مراتب بالای علمی نائل آمد. وی کتاب رجال مفید و پر محتوایی دارد که دارای غلط‌های فراوان نیز می‌باشد.» سپس نحوه اطلاع خود از کتاب کثی را چنین توصیف می‌کند: «احمد بن نوح و دیگری، این کتاب را از جعفر بن محمد (فرزند ابن قولویه) و او از کثی، برای ما نقل کرده‌اند.» (نجاشی ۱۴۰۸: ۲، ۲۸۲).

وجود الفاظی همچون: «ثقة»، «عین»، «بصیر بالآخبار و الرجال»، «من غلمان العیاشی»، «اخذ عنه و تخرج علیه»، همگی بیانگر میزان وثاقت کثی و گویای مدح اوست. گفتنی است که شرح عبارت تخرج علیه در کتب درایه کمتر به چشم می‌خورد.

تنها میرداماد در بیان آن می‌نویسد: تخریج و تخرّج، در اصطلاح علم رجال به این معنی است که وقتی شاگردی به میزان معینی از علم دست یابد که حد کمال او محسوب می‌شود، استاد وی او را به دیگر شاگردان و اساتید معرفی می‌کند و گفته می‌شود: انه خرّجه و هو تخرّج علیه» (میرداماد [بی تا]: ۹۹).

لفظ ثقة هم در بیان کثی و هم در سخنان نجاشی دیده می‌شود. علمای جرح و تعدیل این لفظ را از الفاظی می‌دانند که مرتبه اول از مراتب توثیق را داراست و صراحتاً بر مورد اعتماد بودن و راستگو بودن فرد، دلالت دارد. به عقیده مامقانی، در کتب رجال هر کجا این لفظ به کار رفت و در پی آن عبارتی نباشد که دلالت بر فساد عقیده کند، بی تردید به معنی تعدیل، یعنی اثبات عدل امامی بودن فرد است. (غفاری ۱۳۶۹: ۱۰۰). لیکن شیخ حر عاملی معتقد است که صرف لفظ ثقة اثبات عدالت و امامی بودن راوی را نمی‌کند. گرچه وثاقت مرتبه‌ای بالاتر از صداقت است ولی مستلزم عدالت نیست (محسنی ۱۳۶۲: ۹۶).

لفظ ثقة می‌تواند تا حدودی به ضابط بودن راوی اشاره کند. زیرا وثوق و اطمینان نمی‌تواند با وجود فراموشی راوی حاصل شود. اما اینکه بتواند مثبت امامی بودن راوی باشد، مشکل است. چنان که در کتب رجال و فهرس، از جمله فهرس نجاشی، موارد مختلفی وجود دارد که فرد به رغم غیر امامی بودن به وثاقت متصف شده است.

اما برخی نیز تعابیری مانند: «صحاب العیاشی» و «هو من غلمان العیاشی» را بیانگر مدح دانسته‌اند. زیرا غلام در اصطلاح درایه به معنی شاگرد خاص است که مستقیماً تحت تعلیم، تربیت و تأدیب استاد خویش است.

محمد بن مسعود عیاشی استاد کثی، خود از بزرگان و علمای شیعه است. وی ابتدا مذهب عامی داشته و از افراد ضعیف بسیار روایت می‌کرده است. ولی در همان سن جوانی به حق بیدار شده و به مذهب امامیه معتقد شد. وی ارثیه پدری خود را که سیصد هزار دینار بود، وقف گسترش علم و حدیث نمود و از آن پس خانه او همچون مسجدی بزرگ، محل تجمع افراد بی‌شمار گشت که یا به قرائت قرآن مشغول بودند یا به امر تألیف همت داشتند و یا به نسخه‌برداری و مقابله نسخ می‌پرداختند (نجاشی ۱۴۰۸: ج ۲،

(۲۴۷). تعداد تألیفات وی را بالغ بر ۲۰۰ اثر شمرده‌اند (طوسی ۱۳۸۱: ۱۳۹-۱۳۶). کشتی نیز در منزل و سرای عیاشی در رفت و آمد و بعضاً مقیم بود (نجاشی ۱۴۰۸: ج ۲، ۲۸۲). از این رو، مصاحبت و همنشینی با چنین فردی، نوعی مدح محسوب می‌شود. درخور توجه است که قریب یک سوم روایات کتاب کشتی با حدثی محمد بن مسعود یا قال محمد بن مسعود شروع می‌شود که این خود بیانگر سماع کشتی از عیاشی یا استفاده مستقیم وی از کُتب استاد است.

ولادت و وفات

تاریخ ولادت و وفات کشتی، به طور قطع روشن نیست. از شواهد چنین بر می‌آید که وی در نیمه اول قرن چهارم می‌زیسته است. برخی از این شواهد عبارت‌اند از:

۱. شیخ طوسی در شرح حال کشتی آورده است: ... له کتاب الرجال أخبرنا جماعة عن أبي محمد التلعكبري عن... (طوسی ۱۳۸۱: ۱۴۱).

تلعکبری، عالم فاضل و از بزرگان علمای قرن چهارم هجری و از معاصرین صدوق و مفید است. از کشتی، صدوق اول، ابن قولویه و امثال ایشان روایت کرده است و بسیار مورد اعتماد بوده و بنابر اظهارات نجاشی، اصلاً طعنی در مورد وی نرسیده است. سال وفات تلعکبری، ۳۸۵ هجری ثبت شده است (حلی ۱۳۸۳: ۳۶۵).

۲. چنان که در عبارات نجاشی در شرح حال کشتی بیان شده است، جعفر بن محمد بن قولویه قمی از شاگردان کشتی است. سال وفات جعفر بن قولویه بنا به اظهار نظر شیخ طوسی، سال ۳۶۸ است (الرجال ۱۳۸۱: ۴۵۸) کشتی و ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه از لحاظ زمان در یک طبقه قرار دارند ولی وی چند سال قبل از ابن قولویه وفات یافته است (امین ۱۴۰۶: ج ۴، ۱۸۱).

۳. محمد بن نعمان مفید از شاگردان جعفر بن قولویه قمی است و کشتی را درک نکرده است. تولد شیخ مفید را سال ۳۳۸ هجری ثبت کرده‌اند (طوسی [بی تا]: ۱۵۸).

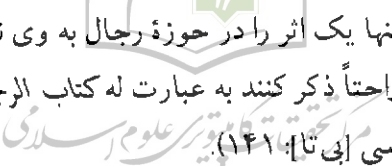
با توجه به مطالب فوق، تاریخ وفات کشتی باید قبل از سال ۳۳۸، یعنی اواسط نیمه اول سده چهارم هجری و قبل از رحلت کلینی باشد. اما سال ولادت وی روشن نیست.

مشایخ کشتی و شاگردان وی

حسن مصطفوی در مقدمه خود بر اختیار معرفة الرجال، ۵۴ نفر از مشایخ و اساتید کشتی، مانند عیاشی، محمد بن قولویه و... را نام می‌برد.

از شاگردان کشتی جز هارون بن موسی تلعکبری و جعفر بن محمد بن قولویه و ابو احمد حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی، کس دیگری عنوان نشده است (طوسی [بی تا]: ۶۴). شایان ذکر است که تلعکبری از استادان نجاشی است که نجاشی از وی سماع داشته ولی از او روایت نکرده است. زیرا هنگام مرگ وی، نجاشی ۱۳ ساله بوده و به دلیل شدت احتیاطی که در نقل روایت داشت و احتمال شرط بودن بلوغ در حین دریافت و تحمل حدیث، از این استاد خود روایت نمی‌کند (نجاشی ۱۴۰۸: ج ۲، ۴۰۸).

آثار علمی

شیخ طوسی و نجاشی تنها یک اثر را در حوزه رجال به وی نسبت داده‌اند، و به جای اینکه نام این اثر را صراحتاً ذکر کنند به عبارت له کتاب الرجال اکتفا کرده‌اند (نجاشی ۱۴۰۸: ج ۲، ۲۸۲؛ طوسی [بی تا]: ۱۴۱).


شخصیت طوسی

ابو جعفر، محمد بن حسن طوسی، ملقب به شیخ الطائفه یکی از مفاخر بزرگ شیعه است که در ادبیات، فقه، کلام، حدیث، رجال و تفسیر سرآمد عصر خود بود. وی در سال ۳۵۸ در طوس خراسان زاده شد و در سال ۴۰۸ هجری، در سن ۲۳ سالگی، عازم بغداد شد (حلی [بی تا]: ۱۴۸).

در این زمان بغداد مرکز خلافت عباسی بود و به جهت توجه خلفای عباسی به گسترش دانش، محل ایجاد مراکز علمی و کتابخانه‌های متعدد شد. کتابخانه نظام الملک و مدرسه نظامیه یکی از آن نمونه است. وجود این مراکز، دانشمندان و طالبان علوم و معارف اسلامی را بدانجا کشید. می‌توان از متکلمان بزرگی همچون قاصی عبدالجبار معتزلی و قاضی ابوبکر باقلانی نام برد که سبب رواج بازار بحث و مناظره شدند.

با پایان قرن چهارم هجری، حکومت آل بویه شهر بغداد را در تصرف خود درآورد و خلیفه عباسی را مطیع خویش ساخت. این تحول و نیز هجرت عالمان بزرگ شیعه به بغداد، مانند کلینی، جعفر بن محمد بن قولویه قمی، شیخ صدوق، شیخ مفید و دیگران، حوزه شیعه را حیات و شکوفایی بخشید. از سوی دیگر، دامنه منازعات علمی و مذهبی نیز گسترده تر شد و گاه به دلیل در آمیختن با تعصبات فرقه‌ای به درگیری و خشونت می‌انجامید. در این میان شیخ طوسی در رفع تناقضات علمی و اجتماعی نقشی قابل وصف به عهده گرفت.

هنگامی که شیخ طوسی به بغداد وارد شد، شیخ مفید (۴۱۳-۳۳۸) ریاست مذهب امامیه را عهده‌دار بود. او نیز از اعظام علما و استادی بلامنازع بود که قریب دو بیست کتاب به رشته تحریر درآورد (طوسی [بی تا]: ۱۵۷) شیخ چندین سال از محضر این استاد بهره گرفت. پس از وی، سید مرتضی برکری ریاست حوزه شیعه تکیه زد و شیخ مدت ۲۳ سال نیز در محضر وی تلمذ نمود. در سال ۴۳۶ هـ و پس از رحلت سید مرتضی، تا ۱۲ سال مقام ریاست شیعه به شیخ طوسی انتقال یافت. سرانجام وی در سال ۴۴۸ هـ و به دنبال حمله‌های مکرری که به شیعه می‌شد، به نجف هجرت کرد؛ و موفق به تأسیس حوزه نجف شد و مدت ۱۲ سال ریاست آن را در عهده داشت و سرانجام در سال ۴۶۰ هـ به رحمت حق واصل شد.

مشایخ شیخ

با استفاده از مؤلفات شیخ، برخی اساتید وی را سی و هفت تن (نوری ۱۳۴۸: ج ۳، ۵۰۹) و برخی پنجاه نفر (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۱۰، ۹۹) شمرده‌اند لیکن مراجعه به فهرست وی نشان می‌دهد که مشایخ اصلی وی پنج تن هستند.

- شیخ مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان؛

- ابو عبدالله حسین بن عبیدالله غضائری؛

- ابو عبدالله احمد بن عبد الواحد بن یزاز، معروف به ابن عبدون؛

- ابوالحسین علی بن احمد بن محمد بن ابی جید؛

- احمد بن محمد بن موسی، معروف به ابن صلت اهوازی.

آثار و تالیفات

شیخ را به جهت آثار ارزشمند فراوانش، فردی پرکار و کثیر التالیف خوانده‌اند. خود در شرح حال خویش به چهل و یک اثر از مؤلفات خویش اشاره دارد (طوسی [بی‌تا]: ۱۶۱-۱۵۹). نجاشی نوزده کتاب از او نام می‌برد (نجاشی ۱۴۰۸: ج ۲، ۳۳۳)، و مصادر دیگر از پنجاه کتاب سخن می‌گویند. از جمله آثار وی می‌توان به التبیان فی علوم القرآن (در تفسیر)، تهذیب الأحکام و الاستبصار فیما اختلف من الأخبار (در حدیث)، الفهرست، الرجال و اختیار معرفة الرجال (در علم رجال)، المبسوط و النهاية (در فقه)، عدة الاصول و تلخیص الشافی (در کلام).

منابع و مأخذ

- آقابزرگ طهرانی (۱۹۸۳/۱۴۰۳)، الذریعة الی تصانیف الشیعة، دار الاضواء، چاپ سوم، بیروت، لبنان.
- _____ (۱۹۵۹/۱۳۳۷) مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال، تصحیح احمد منزوی، چاپ اول، تهران.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۹۶۲/۱۳۸۰)، معالم العلماء، مطبعة الحیدریة، نجف.
- ابوریح، محمود [بی‌تا]، اضواء علی سنة المحدثیه او دفاع عن الحدیث، نشر البطحاء چاپ پنجم.
- الامین، حسن (۱۴۰۸)، مستدرکات اعیان الشیعة، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت.
- بهارزاده، پروین (۱۳۷۱)، پژوهشی درباره اصحاب اجماع، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- تستری، محمد تقی (۱۳۹۷)، قاموس الرجال، مؤسسه نشر اسلامی.
- حائری، محمد بن اسماعیل (۱۳۰۲)، منتهی المقال، ایران.
- حلی، حسن بن علی (۱۳۹۲)، رجال ابن داوود، المطبعة الحیدریة، نجف.
- _____ (بی‌تا)، خلاصة الاقوال فی علم الرجال، نجف اشرف، چاپ سنگی.
- حموی رومی، شهاب الدین یاقوت بن عبدالله (۱۹۷۹/۱۳۹۹)، معجم البلدان، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۹)، چهار کتاب اصلی در علم رجال، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- زین‌الدین، حسن (۱۴۱۱)، التحرير الطاووسی، تحقیق فاضل الجواهری، کتابخانه مرعشی نجفی، چاپ اول، قم.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۰)، کلیات فی علم الرجال، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپخانه مهر، چاپ دوم، قم.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، الفهرست، تصحیح سید محمد صادق آل بحر العلوم، مکتبه المرتضویة، شریف‌الرضی، قم.
- _____ (۱۳۸۱)، رجال الطوسی، تصحیح و تعلیق سید محمد صادق آل بحر العلوم، چاپ اول، مکتبه الحیدریة فی النجف، منشورات الرضی، قم.
- طوسی (۱۳۴۸)، اختیار معرفة الرجال، انتشارات دانشگاه مشهد.
- _____ (۱۴۰۴)، اختیار معرفة الرجال (معروف به رجال کشی)، تصحیح و تعلیق میرداماد استرآبادی، تحقیق سید مهدی رجائی، مؤسسه آل‌ال‌بیت لاحیاء التراث، چاپخانه بعثت، قم.
- حلی، ابن داود (۱۳۸۳)، رجال ابن داود، انتشارات دانشگاه تهران.
- الامین، محسن (۱۴۰۶)، اعیان الشیعه، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت.
- عاملی، حسن بن زین‌الدین (۱۳۰۳)، معالم الاصول، مطبعة حاج ابراهیم، ایران.
- غفاری، علی‌اکبر (۱۳۶۹)، تلخیص مقياس الهدایه مامقانی، دانشگاه امام صادق، تهران.
- قمی، عباس (۱۴۰۹)، الکنی واللقاب، مکتبه الصدر، تهران، چاپ افست، نوبت پنجم.
- کلباسی اصفهانی، مهدی (۱۳۷۲)، سماء المقال فی تحقیق علم الرجال، تصحیح محمد روضاتی اصفهانی، چاپخانه حکمت، قم.
- مجلسی، محمد باقر (۱۹۸۳/۱۴۰۳)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، مؤسسة الوفاء، بیروت، لبنان، چاپ دوم.
- محسنی، محمد آصف (۱۳۶۳)، بحوث فی علم الرجال، چاپخانه سید الشهداء، چاپ دوم، قم.
- معارف، مجید (۱۳۷۴)، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح، چاپ اول، انتشارات آستان قدس رضوی.
- میرداماد، محمد بن محمد [بی‌تا]، الرواشح السماویة، دار الخلافة. [بی‌تا]
- نجاشی، احمد بن علی (۱۹۸۸/۱۴۰۸)، رجال النجاشی، تحقیق محمد جواد نائینی، دار الاضواء، چاپ اول، بیروت.
- نوری، میرزا محمد حسین (۱۳۴۸)، مستدرک وسائل الشیعة، المطبعة الاسلامیه، تهران.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی